

گزارش «وطن امروز» از اذعان سیاستمداران آمریکایی به افزایش قدرت جمهوری اسلامی پس از جنگ تحمیلی آمریکا

اعتراف به ایران قوی

گروه بین الملل: جنگی که قرار بود ایران را تضعیف کند، اکنون به اعتراف شماری از چهره‌های سیاسی آمریکا، نتیجه‌ای معکوس به همراه داشته، واشنگتن با تصور وارد کردن ضرب‌ای تعیین‌کننده به توانمندی‌های ایران و وادار کردن کرهٔ North به عقب‌نشینی، وارد جنگی شد که دونالد ترامپ آن را بخشی از راهبرد خود برای تحمیل خواسته‌های آمریکا معرفی می‌کرد اما گذشت زمان نشان داد محاسبات دولت جنگ‌طلب وی در برابر تهران به طور کامل نادرست از آب درآمده است. ایران نه‌تنها در جنگ به پا شده از سوی ترامپ و نتانیاهو تسلیم نشده، بلکه به اعتراف برخی سیاستمداران آمریکایی، تهران بااعتماد به نفس بیشتر و اهرم‌های فشار گسترده‌تر و درک دقیق‌تر از محدودیت‌های قدرت آمریکا به مرحله پس از جنگ وارد شده است.

به گزارش «وطن امروز»، اکنون مساله برای واشنگتن فقط این نیست که آیا حملات نظامی علیه ایران توانسته اهداف اعلام‌شده را محقق کند یا نه، بلکه پرسش مهم‌تر در آمریکا این است: آیا واشنگتن با ورود به جنگ علیه ایران، ناخواسته بخشی از بازدارندگی خود را از دست داده و به تهران نشان داده تهدیدهای ترامپ توخالی است؟ در واقع تهدیدات توخالی ترامپ علیه ایران حالا خود آمریکایی‌ها را هم به این نتیجه رسانده که کشورشان بی اعتبار شده و در مقابل، ایران اعتماد به نفس بیشتری به دست آورده است. تازه‌ترین اظهارنظر در این ارتباط را «مارک اسپر» وزیر جنگ پیشین آمریکا بیان کرده است. اسپر در جریان حضورش در برنامه «سپس ویک» شبکه ای‌بی‌سی با اشاره به اینکه ایرانیان به توخالی بودن تهدیدات ترامپ پی برده‌اند، گفت: واضح است ایرانی‌ها نوع تهدیدات و رفتارهای ترامپ را درک می‌کنند. این‌ها به این تهدیدها واکنش نشان نمی‌دهند و در قبال این مساله مواضع بسیار راهبردی اتخاذ می‌کنند. بنابراین، طی هفته گذشته دیدید که آنها با یک طرح عمان را مطرح کردند: طرحی که قرار است در مقطعی آن را علنی کنند.

وزیر جنگ سابق آمریکا با اشاره به اینکه ایرانیان شجاعت و جسارت زیادی به خرج می‌دهند، افزود: آنها نسبت به جایگاه خود در جهان احساس اطمینان می‌کنند.

■ **نه فقط اسپر، بلکه دیگران هم معتقدند!**

البته وزیر جنگ آمریکا در دولت اول ترامپ تنها سیاستمدار آمریکایی نیست که به این مساله اعتراف کرده که قدرت ایران بیشتر شده است. ماه گذشته نیز «حکیم جفریز» رهبر دموکرات‌های مجلس نمایندگان آمریکا که از صریح‌ترین منتقدان نتیجه جنگ علیه ایران است، وقتی با سوال یک خبرنگار رویه‌رو شد که از او پرسید جنگ را چگونه ارزیابی می‌کند، گفت: ایران اکنون قوی‌تر است، نه ضعیف‌تر و مردم آمریکا امنیت کمتری دارند. او افزود، جنگ ترامپ علیه ایران توانست اهداف اعلام‌شده واشنگتن را محقق کند و در عوض موقعیت ایران را تقویت کرد.

«کریس مورفی» سناتور دموکرات کنگره آمریکا نیز صریح‌ترین چهره آمریکایی درباره افزایش قدرت و توان ایران در نتیجه جنگ ترامپ است. وی ماه گذشته در سخنانی در یکی از کمیته‌های فرعی سنا گفت: «این جنگ ایران را قوی‌تر کرده است. وی استدلال کرد جنگ علاوه بر تخلیه ذخایر مهمات آمریکا، هزینه اقتصادی سنگینی ایجاد کرده و در نهایت ایران را مقاوم‌تر و آمریکا را ضعیف‌تر کرده است. مورفی پیش‌تر نیز همین موضع را درباره ادامه جنگ تکرار کرده و خواستار خروج ترامپ از جنگ بی‌نتیجه علیه ایران شده بود. «برنی سندرز» سناتور آمریکایی نیز در انتقادهای خود از ادامه جنگ علیه ایران بارها همین استدلال را مطرح کرده و گفته است جنگ نه‌تنها به اهداف اعلامی نرسیده، بلکه ایران را قوی‌تر کرده و ذخایر نظامی آمریکا را تحلیل برده است. موضع وی در سخنرانی‌ها و کارزار مخالفت با ادامه جنگ بارها تکرار شده است.

در عین حال اعتراف به افزایش قدرت ایران پس از جنگ تنها از سوی نمایندگان یا سناتورهای دموکرات مطرح نشده، بلکه حتی برخی هم‌حزب‌های ترامپ و جمهوری خواهان نیز به نتایج جنگ، قدرت ایران پس از جنگ تحمیلی ترامپ و نتانیاهو اذعان کرده‌اند؛ از جمله بیل کسیدی، سناتور جمهوری‌خواه در سخنانی درباره نتایج جنگ علیه ایران به صراحت به تلویزیون آمریکایی سی‌ان‌ان گفت ایران پس از جنگ آموخته است تهدید بستن تنگه هرمز می‌تواند برای تهران اهرم فشار ایجاد کند و علاوه بر آن، توافق اجازه می‌دهد

ایران از مزایای اقتصادی و زیرساختی برخوردار شود. وی این نتیجه را یکی از بدترین اشتباهات سیاست خارجی واشنگتن در دهه‌های اخیر توصیف کرد.

■ **چرا آمریکایی‌ها معتقدند قدرت ایران بیشتر شده؟**

از نگاه بسیاری از کارشناسان، قوی‌تر شدن ایران پس از جنگ با آمریکا الزاما به معنای افزایش تعداد موشک‌ها یا تجهیزات نظامی نیست، بلکه علاوه بر افزایش احتمالی تجهیزات نظامی، مجموعه‌ای از عوامل پس از جنگ باعث شده ناظران و حتی سیاستمداران آمریکایی از افزایش قدرت تهران در برابر واشنگتن سخن بگویند. واقعیت‌های میدانی هم حاکی از آن است در حال حاضر ایران پس از جنگ، اهرم تنگه هرمز را به اختیار دارد، تجربه مستقیم جنگ با آمریکا را به دست آورده، محدودیت‌های نظامی و سیاسی واشنگتن را بهتر شناخته و توانسته بدون بذیرش خواسته‌های ترامپ، همچنان بر مواضع خود پافشاری کند.

این در حالی است که آمریکا با مصرف بخشی از ذخایر تسلیحاتی، افزایش هزینه‌های اقتصادی جنگ و فشار ناشی از اختلال در بازار انرژی مواجه شده است. نیویورک تایمز هم به‌تازگی در گزارشی بر پاتریوت و هزاران موشک کروز و بالستیک دوربرد در این درگیری مصرف شده و پر کردن مجدد این ذخایر حداقل ۲ سال زمان خواهد برد. این کمبود که حتی پیش از جنگ به دلیل حمایت آمریکا از اوکراین وجود داشت، اکنون به بحرانی تمام‌عیار تبدیل شده و توانایی آمریکا را برای پاسخگویی به تهدیدات در اروپا و آسیا به‌شدت تضعیف کرده است.

به همین دلیل است که چهره‌هایی مانند کریس مورفی، حکیم جفریز، بیل کسیدی و مارک اسپر از افزایش اعتماد به نفس و قدرت چانه‌زنی ایران سخن می‌گویند. در واقع ایران پس از جنگ از نظر راهبردی و قدرت چانه‌زنی، موقعیت قوی‌تری پیدا کرده و با کارت‌های بازی خود هم در حوزه انرژی، هم حمل‌ونقل دریایی و هم تجهیزات و توان موشکی، توانسته شرایط پس از جنگ را به نفع خود مدیریت کند.

■ **در ک قدرت ایران بر مبنای خسارات واردشده به آمریکا**
شخص دیگری که بر مبنای آن می‌توان قدرت ایران در جنگ اخیر با آمریکا را درک کرد، حجم و میزان خسارتی است که تهران توانسته در جنگ اخیر به آمریکایی‌ها بپویزه در منطقه تحمیل کند. در حالی که ترامپ دائما مدعی نابودی توان نظامی ایران است و تلاش می‌کند واقعیت‌های جنگ را کتمان کند، وال استریت ژورنال در گزارشی از خسارت دست‌کم ۱۲ میلیارد دلاری ایران به تجهیزات و تأسیسات نظامی آمریکا خبر داده است.

روزنامه آمریکایی در این گزارش افزود: از آغاز جنگ، ایران بیش از ۲ هزار حمله هوایی، موشکی و پهپادی به پایگاه‌های آمریکا در سراسر غرب آسیا انجام داده و حداقل به ۲۰ سایت در ۸ کشور آسیب زده است. در این حملات ۴۲ فروند هواپیما منهدم شده یا آسیب دیده‌اند. این رسانه همچنین با استناد به تصاویر ماهورای، فیلم‌های منتشرشده در شبکه‌های اجتماعی و مصاحبه‌ها، به خسارات قابل توجه حملات ایران به پایگاه پشتیبانی دریایی بحرین که توسط ناوگان پنجم آمریکاست، پرداخت. گفته شده این خسارات شامل آسیب به ساختمان مقر، پایانه‌های ارتباطات ماهورای، آپارها، یک پادگان و سایر زیرساخت‌ها بوده و هزینه بازسازی صرّاً برای این پایگاه ۴۰۰ میلیون دلار برآورد شده است.

این روزنامه تأکید کرد این حملات ایران، نشان‌دهنده تهدید رو به رشد موشک‌ها و پهپادهای ایرانی است و ایالات متحده برای دفاع از پایگاه‌های فرامرزی، زیرساخت‌های حیاتی و نیروهای خود، به اندازه کافی آمادگی ندارد. پایگاه‌های آمریکا در منطقه، در طول درگیری‌ها علیه ایران، بخش حملات موشک‌های ایرانی قرار گرفت و در پی این حملات، آم‌ج‌های قابل توجهی از زیرساخت‌ها و تجهیزات این پایگاه‌ها تخریب شد.

■ **بحران روحی نظامیان باتکی!**

جنگ آمریکا علیه ایران تنها ذخایر تسلیحاتی و توان عملیاتی ارتش تروریست آمریکا را تحت فشار قرار داده است، بلکه اکنون



نشانه‌های فزاینده‌ای از فرسودگی، اضطراب، افت روحیه و فشار روانی در میان تروریست‌های نظامی آمریکایی حاضر در منطقه نیز آشکار شده است. گزارش‌های تازه از وضعیت برخی یگان‌های آمریکا در منطقه، از طولانی شدن استقرار نیروها، خستگی شدید، کاهش روحیه و نگرانی خانواده‌ها حکایت دارد، در حالی که متخصصان سلامت روان نظامی هشدار می‌دهند آثار واقعی چنین جنگی ممکن است ماه‌ها و حتی سال‌ها پس از پایان عملیات آشکار شود.

یکي از تازه‌ترین نشانه‌ها به‌خمنه ناو هواپیمابر «یواس‌اس ابراهام لینکلن» مربوط می‌شود که در عملیات مرتبط با جنگ علیه ایران حضور داشته است. گزارش‌های منتشرشده در روزهای اخیر از کمبود برخی اقلام ضروری، خستگی و کاهش روحیه در میان خدمه این ناو حکایت دارد.

روزنامه انگلیسی ایندپندنت به نقل از خانواده برخی نظامیان گزارش داد فشار ناشی از استقرار طولانی و شرایط عملیاتی، نگرانی‌هایی جدی درباره وضعیت روانی نیروهای ناو لینکلن ایجاد کرده است. حتی در یکی از گزارش‌ها نقل شده پزشکان با درماترگان ناو درباره ضرورت بازگشت سریع‌تر ناو هشدار داده و گفته‌اند ادامه شرایط موجب می‌تواند وضعیت روانی نیروها را وخیم‌تر کند.

آمریکا پیش از این نیز هزینه روانی جنگ‌های طولانی در عراق و افغانستان را تجربه کرده و اکنون بسیاری از نظامیان درگیر در جنگ علیه ایران نگران تکرار تجربه مشابه باثاق جنگ در افغانستان و عراق هستند.

از سوی دیگر فشار جنگ تنها به سربازان حاضر در میدان محدود نمی‌شود، بلکه بر اساس گزارش سی‌ان‌ان، خانواده‌های نظامیان آمریکایی نیز با اضطراب ناشی از انتظار، ترس از دریافت خبر مجروحیت یا مرگ و بلائیکلفی درباره زمان بازگشت فرزندان و بستگان‌شان مواجهند. یک گزارش درباره پیامدهای جنگ علیه ایران بر سلامت روان نیروهای نظامی و خانواده‌های آنان، به نقل از کارشناسان سلامت روان، از افزایش مراجعه خانواده‌های نظامیان با علامت استرس و اضطراب در طول جنگ خبر داده است. در چنین شرایطی خانواده‌های آمریکایی عملاً بخشی از چرخه فشار روانی جنگ ترامپ شده‌اند، زیرا هر حمله موشکی با پهپادی از سوی ایران علیه نظامیان آمریکایی، علاوه بر نیروهای حاضر در منطقه، خانواده‌ها در داخل آمریکا را نیز در وضعیت انتظار و نگرانی قرار می‌دهد. هفته گذشته نیز خانواده‌های خدمه ناو ابراهام لینکلن نسبت به فرسودگی و خستگی نیروهای این ناو پس از ۷ ماه ماموریت متوالی که از پیش از جنگ علیه ایران آغاز شده بود، اعتراض خود را به ماموریت طولانی و بستگان‌شان در این ناو اعلام کردند. در همین ارتباط گزارش شده است ۲۰ نفر از اعضای خانواده‌های آمریکایی در پی سن‌دیگو به مقام‌های نیروی دریایی ارتش آمریکا دیدار کرده و درباره وضعیت خدمه ناو لینکلن اعتراض کرده‌اند. خانواده‌های نیروهای نظامی ناو لینکلن در این تجمع نسبت به فرسودگی روحی خدمه، نبود زمان مشخص برای بازگشت، طولانی شدن ماموریت، مشکلات غذایی، مشکلات بهداشتی، خرابی دستشویی‌ها، کپک و وضعیت نامناسب

برخی فضاهای زیستی، اعتراض خود را به مقامات آمریکا اعلام کردند. ■ **کمبود نیروی درمان در ارتش برادع!**
همزمان با طولانی شدن اقامات خصمه‌ها و جنگ تحمیلی آمریکای علیه ایران، به نظر می‌رسد نظامیان آن کشور از وضعیت روحی و روانی مساعدی برخوردار نیستند. در همین ارتباط منابع آمریکایی گزارش دادند بیش از ۶۰ نماینده دموکرات کنگره از وزارت امور کهنه‌سربازان دولت ترامپ درباره تشدید کمبود روان‌درمانگران و دشواری دسترسی نظامیان به خدمات سلامت روان توضیح خواسته‌اند. گزارش رسانه آمریکایی «پروپابلیکا»، بیش از ۶۰ نماینده دموکرات مجلس نمایندگان آمریکا در نامه‌ای به داگ کالینز، وزیر امور کهنه‌سربازان، خواستار ارائه توضیحات درباره وضعیت خدمات سلامت روان در این نهاد و پیامدهای کمبود نیروی متخصص برای نظامیان شدند.

این نامه از سوی جودی چو، نماینده دموکرات کالیفرنیا و روان‌شناس، به همراه اعضای همکارانش در کنگره ارسال شده و آن را اشاره به تحقیقات اخیر پروپابلیکا درباره وضعیت خدمات سلامت روان در وزارت امور کهنه‌سربازان، از این وزارت‌خانه خواسته شده جزئیات مربوط به کمبود نیرو، تأثیر آن بر بیماران و مدت زمان انتظار برای دریافت خدمات را اعلام کند. تحقیقات پروپابلیکا نشان می‌دهد مساهن‌های نیروی متخصص سلامت روان در دولت دوم ترامپ، وزارت امور کهنه‌سربازان را ترک کرده و بسیاری از این نیروها کشته نشده‌اند، مسالهای که فشار مضاعفی بر کارکنان باقی‌مانده وارد کرده است. بر اساس داده‌های وزارت امور کهنه‌سربازان، این نهاد ژانویه امسال حدود ۵۰۰ روان‌شناس و روان‌پزشک کمتر از مدت مشابه سال قبل داشته و شمار این نیروها همچنان در حال کاهش است. یکی از روان‌شناسان سابق این وزارت‌خانه در ایالت آریزونا به پروپابلیکا گفت به دلیل کمبود نیرو، برخی جلسات افرادی بیماران با جلسات گروهی آنلاین جایگزین شده که گاهی تا ۳۵ کهنه‌سرباز در آن حضور داشته‌اند. در برخی موارد نیز زمان جلسات انفرادی به ۱۶ دقیقه کاهش یافته است. در نظرسنسنتی‌های کارکنان که پروپابلیکا به آنها دست یافته، برخی کارکنان مستعفی اعلام کرده‌اند دیگر قادر به ارائه خدمات باکیفیت به کهنه‌سربازان نبوده‌اند. این بحران در حالی رخ داده که وزارت امور کهنه‌سربازان بزرگ‌ترین نظام درمانی آمریکا محسوب می‌شود و به ۹ میلیون کهنه‌سرباز خدمات ارائه می‌کند. این افراد با مشکلات سلامت روان بیشتری نسبت به جمعیت عمومی مواجهند و نرخ خودکشی در میان آنها دو برابر گزارش شده است.

در همین حال برخی کهنه‌سربازان نیز از پیامدهای کمبود نیرو آسیب دیده‌اند. جیسون بیمن، از نیروهای سابق نیروی دریایی ارتش آمریکا، پس از جابه‌جایی مکرر میان درماترگانی که در نهایت وزارت‌خانه را ترک کردند، سرانجام دریافت خدمات درمانی روانی‌اش متوقف شده است. نمایندگان دموکرات در نامه خود خواستار توضیح درباره نحوه مقابله دولت ترامپ با کمبود نیرو و تضمین دسترسی کهنه‌سربازان به خدمات سلامت روان شدند.

بر مواضع خود پافشاری کنیم.» شدت تمایلات افراط‌گرایانه در کابینه صهیونیستی تا بدان اندازه است که نتانیاهو با درخواست‌هایی از سوی بخش‌های راست افراطی ائتلاف مواجه شده تا رأی‌گیری جدید در کابینه برگزار کرده و به طرح صلح غزه پایان دهد. در چنین بستری، پایبندی تل‌آویو به طرح پیشنهادی ترامپ با واقعیت‌های ملموس سیاسی و میدانی در تعارض آشکار قرار دارد.

■ **نتیجه‌گیری**

۱۰ ماه پیش در چنین مقطعی، رئیس‌جمهور آمریکا با همراهی متحدانش تصمیم فرمایشی با حضور رهبران بلندپایه منطقه و مقام‌های اروپا در شرم‌الشیخ مصر برگزار کرده‌نشستی که ترامپ آن را «تاریخی» خواند و طرح صلح پیشنهادی خود را مبنای صلح و ثبات در سراسر منطقه بازنامی کرد. می‌صراحت‌آر آن نشست گفت «ما باهم به چیزی که همه می‌گفتند غیرممکن است، دست یافتیم؛ صلح در خاورمیانه جنگ غزه تمام شده و کمک‌ها شروع به سرازیر شدن کرده‌اند».

اکنون، کمتر از یک سال پس از نشست شرم‌الشیخ، طرح پیشنهادی ترامپ در حالی از احتضار قرار گرفته و فرصت چندانی تا اعلام شکست رسمی آن باقی نمانده است. نکته حائزاهمیت آن است که پس از نشست شرم‌الشیخ، آمریکایی‌ها دست‌کم در ۳ حوزه مقابله با ایران، جنگ حاکم بر جنوب لبنان و چگونگی در و فصل تنش‌ها در سوریه، پیشنهادهایی برای بروزفت از بحران ارائه داده‌و قدرت آمریکا را ضامات تحقق طرح‌های مذکور به تصویر کشیده‌اند؛ طرح‌هایی که از قضا هر سه با منافع کلان کهنه‌سپنست‌ها گره خورده است. دست رد نتانیاهو به طرح پیشنهادی ترامپ، حاوی نکاتی پندآموز است. بی‌توجهی دولتمردان لبنانی، مذاکره‌کنندگان ایرانی و دولتمردان سوری به ضرورت ریل‌گذاری مسیری مطمئن برای تحقق منافع ملی، همراه با تضمین‌های اجرایی مشخص و قابل اتکا، می‌تواند طرح‌های مورد حمایت واشنگتن در دیگر پرونده‌های منطقه را نیز به سرنوشتی مشابه طرح پیشنهادی ترامپ در باریکه غزه دچار کند.

از این منظر، مساله صرفا شکست یا موفقیت یک طرح درباره غزه نیست، بلکه پرسش اصلی به اعتبار تضمین‌های آمریکا، میزان توان واشنگتن برای مهار تل‌آویو و ارزش واقعی تعهدات شخص ترامپ در برابر اراده سیاسی رژیم بامزی گردد. تجربه غزه بار دیگر این پرسش را پیش روی بازیگران منطقه قرار داد: می‌توان توافقی را که اجرای آن به اراده آمریکا وابسته است، بدون برخورداری از تضمین‌های عینی، الزام‌آور و مستقل، مبنای تصمیمات راهبردی و امنیت ملی قرار داد؟

حکایت دارد. مقامات ارشد کاخ سفید، با آگاهی از نفوذ قابل ملاحظه لابی‌های صهیونیستی در آمریکا، به‌ندرت را با فراتر از انتقادات لفظی نسبت به تل‌آویو گذاشته و در بسیاری موارد با اغماص و چشم‌پوشی به سیاست‌های تهاجمی و جاذطل‌بنه آن نگریسته‌اند. نبودمواجهه گسترده‌انه برخی مقامات صهیونیست با مقام‌های آمریکا و رد طرح‌های منتسب به ترامپ، چه در جبهه‌های نبرد لبنان و نوار غزه و چه در رویارویی‌های اخیر با ایران، از نوعی مصونیت آهنین برای مقامات اسرائیل و در مقابل، محدودیت‌ها و محذوریت‌های حتی چهره‌های جاذطل‌ب و متفرغتی چون ترامپ در تنبیه آنان حکایت دارد.

از همین رو می‌توان تصور کرد کابینه نتانیاهو نه وقتی به طرح پیشنهادی ترامپ در نوار غزه خواهد گذاشت و نه در نهایت به ایده‌های او درباره لبنان جامه عمل خواهد پوشاند؛ در حالی که احتمالاً در این مسیر صرفاً با انتقادهای لفظی مقام‌های ارشد آمریکا مواجه خواهد شد. ۴- **فقدان پیش روی کنتست و بی‌میلی نتانیاهو به عقب‌نشینی در برابر رقبا و متحدان افراطی**
برآیند بسیاری از نظرسنسنتی‌های انجام‌شده در سرزمین اشغالی، از تقویت جایگاه گلدی ارتنکوت و دیگر منتقدان نتانیاهو در آستانه انتخابات پیش روی کنتست حکایت دارد؛ انتخاباتی که به زعم شماری از ناظران می‌تواند زمینه‌ساز پایان ۲ دهه سیاست‌ورزی نتانیاهو و لیگود در رأس هرم قدرت در فلسطین اشغالی باشد.

ناکامی نتانیاهو در دستیابی به اهداف از پیش تعیین‌شده در جنگ‌های ایران، لبنان و غزه، در کنار سرخوردگی جامعه صهیونیست، فرسایش ارتش رژیم پس از ۳ سال جنگ‌های طاق‌تد فرسا، چالش‌های بین‌المللی، پیرامون شخص نتانیاهو و انتقادهای گزنده رقیب – در رأس آنان نفتالی بنت، اوئگدور لیبرمن و یائیر لاپید - درباره سقوط جایگاه تل‌آویو در صحنه بین‌المللی و ناکامی در مهار تهران و محور مقاومت، نخست‌وزیر رژیم را در وضعیت بسیار خطرری قرار داده است.

نتانیاهو همزمان با فشارهای بین‌المللی، از سوی همپیمانان افراطی خود، از جمله رهبران شاس، جریان‌های حردی و احزاب وابسته به بن‌گور و اسموئریج نیز برای نادیده گرفتن مطالبات آمریکایی‌ها در غزه، لبنان و جبهه ایران تحت فشار شدیدی قرار دارد.

از همین رو، نتانیاهو روز گذشته با رد طرح ترامپ و تأکید بر عدم پایبندی رژیم به مطالبات مطرح‌شده، صراحتاً گفت تشکیل کشور فلسطین در دوران زندمادری از رخ نخواهد داد. او با اشاره به نفاوت دیدگاه با واشنگتن مدعی شد «آنها ایده‌هایی دارند؛ برخی از آنها برای ما پذیرفتنی است و برخی دیگر نه و ما می‌دانیم چگونه در این مسائل

شکست شرم‌الشیخ

در همین راستا، سیاست‌ها و رازین‌های گسترده‌ای نیز برای ساخت شهرک‌های متعدد در کرانه باختری و اسکان اجباری فلسطینیان در سودان، سومالی و صحرای سینای مصر در دستور کار قرار گرفته است. برآیند سیاست‌ورزی در سرزمین اشغالی نشان می‌دهد جامعه صهیونیست طی ۸ دهه اخیر، از تمایلات چپ‌گرایانه و مارکسیستی به‌تدریج به سوی گرایش‌های راست افراطی متمایل شده است. همین تحول، نقش بسزایی در میزان آمادگی دولت کنونی برای پذیرش یا رد طرح پیشنهادی ترامپ ایفا می‌کند.

۲- **همدلی راهبردی در آمریکا‌ها یا پروژهای جاه‌طلبانه صهیونیست‌ها**
از آمریکا به عنوان بزرگ‌ترین متحد رژیم اشغالگر قدس در طول ۶ دهه اخیر یاد می‌شود. رقابت برای پذیرش بیت‌المقدس به عنوان پایتخت صهیونیست‌ها، اعطای امتیازهای گسترده مالی و تسلیحاتی به تل‌آویو، مخالفت با پروژه‌های مطوط به توقف شهرک‌سازی و بازگشت اورگان به سرزمین‌مادری و ونوتی‌پی در پی قلعه‌نامه‌های صهیونیستی در شورای امنیت از سوی دولت‌های وابسته به هر ۲ حزب جمهوری‌خواه و دموکرات، نشان می‌دهد حمایت همه‌جانبه از تل‌آویو یکی از ارکان کلیدی سیاست خارجی واشنگتن به شمار می‌رود.

برآیند مواضع چهره‌های متنفذ دولت ترامپ، از جمله مارکو روبریو و مایک والتز، در کنار اظهارات مایک هاگکی، سفیر آمریکا در سرزمین اشغالی در حمایت از تسلط صهیونیست‌ها بر سراسر «سرزمین مقدس»، همچنین حضور چهره‌های یهودی همچون ویتکاف و کوشرن در فرآیند تصمیم‌گیری کاخ سفید؛ از همدلی حاد میان دولت آمریکا با سیاست‌های توسعه‌طلبانه رژیم در سرزمین اشغالی حکایت دارد. هاگی در مصاحبه اخیر خود با تاکر کارلسون، ضمن طرح ادعای تعلق غزه و کرانه باختری به رژیم صهیونیستی، با فراتر گذاشت و اظهار داشت «بر اساس متون مقدس، اسرائیل حق دارد بر تمام یا دست‌کم بخش عمده‌ای از خاورمیانه چیره شود». کارلسون نیز در این گفت‌وگو به بخشی از تورات اشاره کرد که در آن وعده‌ای درباره گستره سرزمین اعطاشده به حضرت ابراهیم و نسل او، از نیل در مصر تا رود فرات، مطرح شده است.

۳- **نبود فشار قابل ملاحظه بر رژیم و انکفای آمریکا به انتقاد لفظی**
نگاهی به ۸ دهه مواجهه آمریکا با سیاست‌های تجاوزگرانه رژیم صهیونیستی و حمایت مستمر واشنگتن از تل‌آویو در مجامع بین‌المللی نظیر ونوقلعه‌نامه‌های شورای امنیت که در آن رژیم تروریست صهیونی به دلیل نقض حقوق بین‌الملل و جنایت علیه بشریت محکوم شده، به‌روشنی از خوشتن‌داری دولتمردان آمریکا در مواجهه با سیاست‌های صهیونیسم

سه‌شنبه ۲۰ مرداد ۱۴۰۵
وطن‌امروز | شماره ۶۴۸۲

جهان

اخبار

یک خودکشی دیگر در ارتش صهیونی

روزنامه هآرتس گزارش داد یک دانشجوی دوره خلبانی به‌تازگی در داخل یک پایگاه نظامی در مناطق جنوب سرزمین اشغالی دست به خودکشی زد؛ رخدادی که در سایه افزایش موارد خودکشی در ساختار امنیتی رژیم صهیونی پس از آغاز جنگ غزه در ۱۷ اکتبر ۲۰۲۳ روی داده است. ماه گذشته نیز ۲ سرباز زن در حال خدمت وظیفه و یک سرباز ذخیره خودکشی کردند. بر اساس پیگیری روزنامه هآرتس، از ابتدای سال جاری تاکنون دست‌کم ۱۸ نظامی صهیونیست – تنها بر مبنای موارد اعلام‌شده – خودکشی کرده‌اند. داده‌ها از افزایش شمار موارد خودکشی در درون ساختار امنیتی رژیم حکایت دارد؛ پدیده‌ای که با آغاز جنگ غزه در ۱۷ اکتبر ۲۰۲۳ تشدید شده است.

■ ■ ■

ترامپ مشاور ارشد خود را برکنار کرد

رئیس‌جمهور آمریکا از تغییر یکی از دستیاران ارشد خود در کاخ سفید خبر داد. دونالد ترامپ علت تغییر مشاور ارشد خود را اعلام نکرد. وی در پستی در حساب کاربری خود در تروث سوشال نوشت: «مایه افتخار من است که اعلام کنم از اول سپتامبر، ویل شارف به‌عنوان دستیار رئیس‌جمهور و مشاور حقوقی کاخ سفید منصوب خواهد شد و جایگزین دیوید وارینگتن می‌شود؛ فردی که در دوره حضورش به‌عنوان مشاور حقوقی کاخ سفید و پیش از آن در کارزار انتخاباتی ریاست جمهوری من، واقعا عملکردی برجسته داشت». وارینگتون کالا از کاخ سفید کنار گذاشته شده و طبق اعلام ترامپ به بخش خصوصی خواهد رفت.

■ ■ ■

تحلیلگر اتریشی:

توافق مکه، جوهری روی کاغذ است

کارشناس سیاست‌های امنیتی و دفاعی معتقد است توافق دفاعی اخیر بین ترکیه، سعودی و پاکستان «فقط جوهری روی کاغذ» است. «ولفگانگ پوشتای» در گفت‌وگو با الجزیره اظهار کرد با وجود حملات اخیر یمنی‌ها علیه ریاض، «شاهد حضور نیروهای پاکستانی با ترکیه‌ای در عربستان نبوده‌ایم». تحلیلگر اتریشی تأکید کرد اگر در این ۳ کشور نیروی نظامی در میدان حضور نداشته باشد یا در صورت حمله به عربستان، نیروهای پاکستانی و ترکیه‌ای درگیر نشوند، چنین توافق دفاعی متقابلی عملاً کارایی نخواهد داشت. اخیرا شبکه سی‌ان‌ان هم با اشاردادی کنایه‌آمیز به حمله نیروهای مسلح یمن به خاک سعودی نوشت: «این حملات چند روز بعد از امضای توافق مکه رخ داد؛ توافقی که قرار بود سطح بازدارندگی و امنیت عربستان را افزایش دهد».

■ ■ ■

خستگی آمریکایی‌ها از دموکرات‌ها و جمهوری خواهان

رادیوی ملی آمریکا (NPR) در گزارشی با اشاره به افزایش ناراضیاتی عمومی از نظام سیاسی دوحزبی آمریکا اعلام کرد بسیاری از رأی‌دهندگان دیگر ساختار کنونی متشکل از جمهوری خواهان و دموکرات‌ها را پاسخگوی خواسته‌های خود نمی‌دانند و از اصلاحات اساسی در نظام انتخاباتی حمایت می‌کنند. بر اساس داده‌های مرکز تحقیقات «پیو»، نزدیک به ۷۰ درصد آمریکایی‌ها گفته‌اند دست‌کم تا حدی مایلند گزینه‌های سیاسی بیشتری غیر از ۲ حزب اصلی برای انتخاب داشته باشند. این ناراضیاتی منفی بخشی قابل توجهی از افکار عمومی مواجهند. هدف این نظرسنجی، مجموعه این داده‌ها نشان می‌دهد ناراضیاتی از انحصار سیاسی جمهوری خواهان و دموکرات‌ها در حال تبدیل شدن به مطالبه‌ای برای تغییر ساختار سیاسی آمریکاست.

■ ■ ■

حملات سایبری پیشرفته به امارات

شورای امنیت سایبری امارات از حملات پیشرفته و سازمان‌یافته به بخش‌های هواپیمایی، انرژی و آموزش آن کشور خبر داد. شورای امنیت سایبری دولت امارات مدعی شد بخش‌های امنیت سایبری توانسته‌اند حملات هکری پیشرفته و سازمان‌یافته به بخش‌های هواپیمایی، انرژی و آموزش را رصد کرده و ناکام بگذارند. این شورا تصریح کرد حملات مذکور شامل مسیرها و شیوه‌های هجومی متعددی بوده که تلاش برای نفوذ به سامانه‌ها و زیرساخت‌های دیجیتال، هدف قرار دادن حساب‌ها و داده‌های عملیاتی و همچنین کارزارهای فیشینگ (Phishing) هدفمند و تلاش برای بهره‌برداری از کاربران به عنوان نقطه ورود به محیط‌های هدف را دربر می‌گرفته است.

■ ■ ■

سی‌ان‌ان:

ترامپ به دنبال راه فرار از جنگ علیه ایران است

شبکه تلویزیونی آمریکایی به نقل از تحلیلگران گزارش داد با ورود جنگ علیه ایران به ششمین ماه خود، فشارهای داخلی و کاهش ذخایر تسلیحاتی، دست واشنگتن را برای ادامه جنگ بسته‌تر کرده و آن را بیش از پیش به سوی راهی برای پایان دادن به درگیری سوق داده است. دیوید سینیجر، تحلیلگر سیاسی و امنیت ملی سی‌ان‌ان معتقد است با ورود جنگ آمریکا علیه ایران به ششمین ماه خود، دونالد ترامپ به دنبال هر راهی است تا تنگه هرمز را باز، اعلام پیروزی کند و از این جنگ خارج شود. وی در تحلیلش گفت فکر می‌کند ایرانی‌ها هم به‌خوبی احساس می‌کنند رئیس‌جمهور آمریکا به دنبال راهی برای خروج از این جنگ است. سینیجر در توضیح این برداشت افزود: «مهمات ایالات متحده رو به اتمام است، گزینه‌هایش در حال تمام شدن است و اساسا صبرش به پایان رسیده». وی همچنین به فشارهای داخلی و کاهش روزافزون محبوبیت این جنگ در آمریکا اشاره کرد و ادامه داد: جنگ علیه ایران حتی در میان هم‌حزبی‌های ترامپ یعنی جمهوری خواهان هم محبوبیت چندانی ندارد.



«خلع سلاح کامل» حماس و سایر گروه‌های مسلح در غزه دست یافته است. در چنین بستری، باوجود هزینه‌های سنگین حیثیتی تحمیل‌شده به دولت ترامپ در نتیجه یی در طرح پیشنهادی او از سوی نتانیاهو، کاخ سفید از اتخاذ موضعی شفاف در تأکید بر عملیاتی شدن طرح و تقبیح مواضع نخست‌وزیر رژیم استکبار کرده است.

به زعم ناظران منطقه‌ای، حتی در صورت طرح اظهارات افراطی احتمالی از سوی آمریکایی‌ها درباره لزوم تهدت تل‌آویو به طرح مذکور، طرف صهیونیست‌ها در نهایت به دلایل متعددی از پذیرش آن سر باز خواهد زد؛ امری که بیش از پیش بر دامنه ناامیدی نسبت به وعده‌های آمریکا به رژیم‌های مترع عرب درباره آینده تحولات منطقه و مقابله با زیاده‌خواهی‌های رژیم خواهد افزود.

در باب چرایی بی‌اعتنایی رژیم اشغالگر به مفاد طرح پیشنهادی ترامپ، دست‌کم می‌توان به ۴ دلیل استناد کرد.

۱- **پیشینه توسعه‌طلبی ارضی رژیم و بسترسازی برای تحقق پروژه متوهانه اسرائیل بزرگ**

ازمان اعلام تشکیل رژیم صهیونیستی در ۱۴ مه ۱۹۴۸ تاکنون، میل به توسعه‌طلبی ارضی، به‌پهلوهای چون رفع چالش عمق راهبردی رژیم، مقابله با نیروهای مقاومت و ایجاد امنیت برای ساکنان سرزمین اشغالی، به یکی از ارکان کلیدی دکترین نظامی رژیم تبدیل شده. امری که در خدمت سیاست کلان تحقق پروژه اسرائیل بزرگ قرار دارد. ۵۰ ساله بلندی سوزیه و مزارع شبعاء در لبنان و نیز پیشروی میدانی در خاک ۲ کشور مذکور در تحولات پس از ۱۷ اکتبر ۲۰۲۳، از مصداق مهم این رویکرد به شمار می‌رود.

نکته حائزاهمیت آن است که پروژه تسلط از نهر تا بحر – یعنی کل سرزمین فلسطین – در قلب پروژه اسرائیل بزرگ قرار گرفته. مقامات اسرائیل در طول یک دهه اخیر، با کنار نهادن وعده‌های لفظی برخی حکمرانان پیشین رژیم، از جمله گلدا مایر، اسحاق رابین، شیمون پرز و ایهود اولمرت مبنی بر پذیرش حقوق ابتدایی فلسطینیان در چارچوب توافقاتی چون اسلو، آنابولیس و نقشه راه، به شکلی عریان بر تسلط کامل بر سراسر سرزمین فلسطین و کوجاب اوجیر فلسطینیان تأکید کرده‌اند.